



نسبت اسلام و ایدئولوژی/ تفاوت ایدئولوژی با علم و فلسفه

هر ایدئولوژی، یک مرحله انتقادی نسبت به وضع موجود دارد؛ یعنی ایدئولوژی نسبت به آنچه الآن هست چه معنوی، چه مادی، چه سیاسی و... یک حالت انتقادی دارد.

هر ایدئولوژی، یک مرحله انتقادی نسبت به وضع موجود دارد؛ یعنی ایدئولوژی نسبت به آنچه الآن هست چه معنوی، چه مادی، چه سیاسی و... یک حالت انتقادی دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، عبدالحسین خسروپناه، مدیر موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه به تازگی بحثی در خصوص اسلام و ایدئولوژی در کانال شخصی تلگرام خود مطرح کرده که این بحث را در ادامه می خوانید؛

بحث از ایدئولوژی با معانی ساده و پیچیده‌اش به علم «جامعه شناسی» مربوط است. ایدئولوژی در معنای ساده و لفظی‌اش، عبارت است از: «علم به عقیده» یا «عقیده‌شناسی» یا «ایده‌شناسی» یا «علم‌عقیده».

شریعتی، ایدئولوژی را یک آگاهی خاص و ویژه انسانی معرفی می‌کند که به اقتضای آن آگاهی طبقاتی، آگاهی اجتماعی، آگاهی خاص زندگی و راه مشخص برای زیستن، اندیشیدن و ایده‌آل‌های مشخص به عنوان فلسفه زندگی پیدا می‌کند و در برابر همه این آگاهی‌ها او را متعهد می‌سازد. شریعتی با اینکه میان ایدئولوژی با علم و فلسفه تفاوت قایل است؛ ولی بر این باور است که ایدئولوژی، همچون علم باید بر اساس قوانین کلی و آرمان‌های ثابت انسانی استوار باشد و با سه‌گام تلقی انسان از جهان و زندگی و انسان، ارزیابی او نسبت به مسائل اجتماعی و فکری و پیشنهادها و راه‌حل‌ها جلو رود و برداشتن این گام‌ها و انطباق قوانین کلی و آرمان‌های ثابت انسانی بر واقعیت‌های موجود زمانی و مکانی در یک جامعه خاص رسالتی است که بر عهده روشنفکران گذارده می‌شود.

شریعتی در کتاب جهان‌بینی و ایدئولوژی، تفاوت میان ایدئولوژی از یک طرف و علم و فلسفه از طرف دیگر را چنین بیان می‌کند: «ایدئولوژی عبارت است از نوع اعتقاد متفکر نسبت به ارزش واقعیت خارجی و ارزیابی این واقعیت خارجی و همچنین اعتقاد به اینکه این واقعیت خارجی چه ناهنجاری‌هایی دارد و چگونه باید تغییرش داد و به چه شکل ایده‌آل در آورد. علم عبارت است از آگاهی عالم نسبت به واقعیت خارجی؛ علم عبارت است از صورت ذهنی و یک واقعیت عینی؛ علم عبارت است از کشف یک رابطه. فلسفه عبارت است از اندیشیدن به کلیات و مجهولاتی که علم به آن کلیات و مجهولات دسترسی ندارد؛ همانند اندیشیدن درباره سرنوشت آدمی، معنی هستی، فلسفه حیات بشری، هدف خلقتی انسان و موقع و موضعی که بشر در جهان دارد.

بنابراین، علم فقط به جزئیات و روابط بین فنومن‌ها می‌پردازد و یک پدیده انفعالی است. عالم در معلوم اثر نمی‌گذارد در صورتی که فلسفه از حقایق و جوهریات و مسائل اساسی بحث می‌کند. فلسفه نیز مانند علم، دنبال کشف مجهول است.

ایدئولوژی عبارت است از عقیده و عقیده عبارت است از:

(۱) نوع تصور و تلقی‌ای که ما از جهان، از زندگی، و از انسان داریم

(۲) نوع برداشت و ارزیابی خاصی که بر این اساس، نسبت به مسائلی که با آنها درارتباطیم و پیرامون اجتماعی و فکری ما را می‌سازد؛ داریم.

(۳) مرحله سوم عبارت است از پیشنهادها، راه‌حل‌ها؛ پس ایدئولوژی از سه مرحله درست می‌شود: یکی، یک جهان بینی، یکی، یک نوع ارزیابی انتقادی محیط و مسائل و یکی پیشنهادها و راه‌حل‌ها به صورت ایده‌آل و هدف‌ها.

هر ایدئولوژی، یک مرحله انتقادی نسبت به وضع موجود دارد؛ یعنی ایدئولوژی نسبت به آنچه الآن هست چه معنوی، چه مادی، چه سیاسی، چه طبقاتی، چه اقتصادی، چه فرهنگی و چه اخلاقی و انسانی- فرق نمی‌کند- یک حالت انتقادی دارد. شریعتی، سه مدل و سه نوع ایدئولوژی ابراهیمی و انقلابی و علمی را توضیح می‌دهد.